



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۱۶

موضوع بحث: **نظام حجت ۵**

**قرآن امام زمان مکتوب:**

حدیث ثقلین آخرین وصیت پیامبر (ص) است که در آن آمده است:

«...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللّٰهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي...».

ترجمه: من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و

عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید، پس من از شما درباره رفتارتان با این دو یادگار ارزشمند سؤال خواهم کرد، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم.

آیت الله بهجت درباره حدیث ثقلین می‌فرمایند: «این حدیث سِرّ شیعه است، کسی که می‌خواهد دنبال امام زمان (عج) باشد باید روج به قرآن کند».

## تمام اسرار عالم در قرآن است:

در واقع قرآن امام زمان مکتوب است، اگر کسی رجوع به قرآن کند گویی رجوع به امام زمان (عج) کرده است و سفارش‌های زیادی درباره قرآن خواندن کرده‌اند، چهارده مرتبه در روز قرآن خواندن و ۵۰ آیه حداقل در روز و... یعنی ما باید قرآن در دست داشته باشیم، در قرآن تمام اسرار عالم را گفته‌اند **وَلَا رَظْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ** یعنی هیچ تر و خشکی نیست، جز آنکه در قرآن ذکر شده باشد و معنی دیگرش می

شود هیچ تر و خشکی نیست که امام زمان نداند.

## ملاک رجوع به امام زمان (عج):

همانطور که گفته شد قرآن همان امام زمان عج است اگر می خواهید بدانید چقدر به امام زمان عج رجوع کرده اید باید بدانید چقدر به قرآن رجوع کرده اید.

## چند نکته درباره قرآن:

قرآن بازگو کننده حقیقت انسان است نه وسیله‌ی برای تزئین سفره عقد و کتابی برای خاک خوردن در طاقچه خانه‌ها.

ا) در قرآن بیش از ۲۲۰ آیه درباره انبیاء و داستان های اقوام و انسان ها یعنی یک سوم قرآن را بحث تاریخ تشکیل می دهد.

ب) ابتلائات و خصوصیات انبیاء در دوران ظهور محقق خواهد شد چون عقل مردم به اوج خود رسیده و تمام فتنه ها رخ

خواهد داد و حضرت باید پاسخگو تمام این فتنه‌ها باشد.

## تاریخ انبیاء مقدمه برای ظهور:

تاریخ و سنت‌های که در قرآن ذکر شده است همگی مقدمه‌ی برای ظهور حضرت حجت (عج) است تا بتوانند مقدمه‌ی درحد گستره تاریخ تا مردم آخرالزمان پیش‌زمینه برای درک حضرت داشته باشند، از سنت غیبت، طول عمر، وضع حمل، قدم زدن در بازار و... همگی این‌ها در انبیاء گذشته آماده‌اند تا بتوانیم وقوع این سنت‌ها را در حضرت درک کنیم.

## سنت نوح(ع):

داستان حضرت نوح (ع) داستانی جالب است ما بیشتر حضرت ایوب را به صبر می‌شناسیم اما جریانهای که در داستان نوح(ع) اتفاق افتاده را بدانیم در دوران خود کمتر بی‌تابی خواهیم کرد، طول نبوت ایشان نهصد و پنجاه سال بود

که مردم زمان حضرت در سه نسل بودند سه نسل سیصد  
ساله طوری که پیرمرد دست نوه اش را می گرفت و می گفت  
این شخص نوح است در دوران پدرانم حرف از خدا می زد و  
وعده عذاب می داد در آینده مبادا به او ایمان بیاوری! وقتی به  
تبلیغ می رفت طوری او را می زدند که سه روز بی هوش  
درخانه می افتاد و دعا می کرد و از خدا مغفرت قوم خود را  
می خواست اما همین حضرت طوری شد که درخواست عذاب  
کردند و از خدا نابودی تمام آنها را خواستند گفته شده که  
خداوند به نوح (ع) یک دانه ای داد و گفت آنرا بکار تا درخت  
بشود آن موقع عذاب آماده می شود، در این وسط سه دسته  
مردم وجود داشتند مؤمنین، منافقین و کافرین مشکل بر سر  
منافقین بود که نمی خواستند هر دو طرف را از دست بدهند  
این ماجرای کاشت دانه به هفت مرتبه رسید هفت بار وعده  
عذاب یه تاخیر افتاد در بعضی از روایات گفته شده ده بار  
طوری شد که منافقین ریزش کردند و فقط مؤمنین باقی  
ماندند و گفتند اگر صد بار هم دانه بدی بکاریم ما به خداوند  
کافر نمی شویم آن موقع بود که صبح دمید و وقت عذاب سر  
رسید، ما در آخرالزمان هم با این نوع خالص سازی طرف  
هستیم.

## سنت موسوی (ع) :

از سنت های موسوی یکی سنت حمل حضرت موسی (ع) است، مادر حضرت حجة (عج) نیز مانند مادر حضرت موسی (ع) بارداری معلومی نداشت. به فرعون خبر دادند که کودکی می آید و تاج و تخت تو را تهدید می کند و فرعون هم دستور داد تا پسران را بکشند گفته شده نزدیک به بیست و پنج هزار کودک را به قتل رساند و از همه جالب موسی (ع) در خانه فرعون رشد کرد و مادرش هم به او در کاخ فرعون شیرش داد. دومین سنت موسوی سنت اصلاح امور در یک شبانه روز است، وقتی قوم موسی بعد از جریان یوسف (سلام الله علیه) خیلی دوره طولانی شده بود از شدت عذاب بر بنی اسرائیل و فشار. یوسف قبل از مردنش جمع کرده بود بنی اسرائیل را و برایشان صحبت کرد و گفت بهشان که بعد از این شما مبتلا به سختی میشوید و این سختی حدود **400** سال طول میکشد که فاصله بین یوسف سلام الله علیه و موسی علیه السلام فاصله ای حدود **400** سال است. و برایتان خیلی سخت میشود. شرایط خیلی سخت میشد، انبیاء بودند، گاهی

این‌ها پیش‌انبیاء جمع می‌شدند در بیابان‌ها در خلوت، چون تحت فشار بودند و برای این‌ها نصیحت‌هایی می‌کردند تا دل این‌ها آرام بشود. از جمله یکی از بارهایی که خیلی اذیت شدند رفتند پیش نبی‌شان گفتند ما دیگر تحملمان از دست رفته است، هر موقع شما برای ما صحبت می‌کنید یک خرده آرام می‌شویم، یک جلسه‌ای بگذاریم شما یک صحبتی برای ما بکنید. در خارج از شهر جلسه گذاشتند، آنجا آن نبی به آن‌ها وعده داد که فرج و ظهور حجت قائم ما 40 سال دیگر است. خدا وعده داده است 40 سال دیگر. تا گفت 40 سال دیگر، این‌ها گفتند الحمدلله، تا گفتند «الحمدلله»، خطاب آمد به آن نبی که به خاطر مقام شکرستان 40 سال تبدیل شد به 30 سال، این‌ها تا شنیدند 30 سال را، گفتند «كُلُّ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ». بعد خطاب آمد به آن نبی که این 30 سال تبدیل شد به 20 سال. بعد دوباره تا شنیدند 20 سال شده، دوباره مقام شکرشان به زبان اینکه «لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ» خیر فقط از جانب خداست و از آنجا فقط نشات می‌گیرد... باز خطاب شد بگو شد 10 سال، وقتی شد 10 سال، این‌ها گفتند «لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ»، خداست که فقط سوء را دفع می‌کند، تا اینطور شد، گفتند نگاه

کنید، کسی که دارد می آید موسی است. آن نبی الهی پس از معرفی موسی برخواست و دست موسی را بوسید. «ثُمَّ جَلَسَ بَيْنَهُمْ فَطَيَّبَ نَفُوسَهُمْ وَ أَمَرَهُمْ أَمْرَهُ ثُمَّ فَرَّقَهُمْ فَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ الْوَقْتِ وَ بَيْنَ فَرَجِهِمْ بِغَرَقٍ فِرْعَوْنَ أَرْبَعُونَ سَنَةً» سپس موسی در بین آنها نشست و دل‌هایشان را پاک کرد و آنها را به پیروی رسالتش امر کرد و سپس آنها را پراکنده کرد. که از زمان این ماجرای ظهور موسی بر شیعیانش، تا غرق شدن فرعون و نجات یافتن مردم از دست ظلم فرعونیان (و تطهیر مصر از ظلم دوران)، چهل سال (بعد از آن ظهور) طول کشید.

### سنت یوسفی:

این سنت اینگونه است که حضرت یوسف (ع) در بازار راه می رفت و مردم نمی دانستند حجت خدا کیست حتی برادران یوسف (ع) هم که در کودکی با او بازی می کردند او را نمی شناختند و دومین سنت این حضرت رسیدن به مقام نبوت در کودکی است و سومین سنت هم سنت زندان است و چهارمین سنت خود غیبت است.

## سنت عیسوی:

سنت عیسوی هم صحبت کردن در طفولیت است وقتی حضرت به دنیا آمدن آیه ۵ سوره قصص رو خواندن **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم.

## سنت حضرت خضر (ع):

عمر حضرت خضر(ع) حداقل این است که از زمان حضرت موسی(ع) غیبت کرده که حداقل سه هزار سال است اما در روایات آمده که از سرداران ذوالقرنین بوده است اما درباره طول عمر حضرت گفته اند که ایشان مقدمه است تا دلیل امکان طول عمر صاحب الزمان (عج) باشد، ایشان حیات انسانی دارند و ملاقات با انبیاء و ائمه اطهار (ع) داشته است.

## حکمت تشابه سازی:

حکمت اسرار روایات بر ذکر تشابه با سنن انبیاء و پیش از دو هزار و دویست آیه پیرامون زندگی انبیاء برای بیان عظمت امام موعود خاتم است که تکرار تمام انبیاء با شدت بیشتر در مراتب غیبت و ظهور حضرت به صحنه می آید که همه آنها سکوی پرتاب به افق ظهور هستند و تمام ابتلائات انعکاس آثارشان است.

## سیر محض شدن:

سیر تاریخی سیر محض شدن است، تمام سنن ها برای پاکسازی است، نخ تسبیح سیر تاریخی سنت پاکسازی است تا انسانهای پاک بمانند تا منافقین بروند به سمت کفار در آخرالزمان این شدیدتر است تا دو جبهه ایمان و کفر بماند آماده فتنه های بیشتر از این باشید.



## روایت تمامه نعمه کمال الدین:

شیخ صدوق (ره) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة ج 2 باب 33 حدیث 11 نقل میکند که:

سَدِيرٌ صَيْرَفِيٌّ مَيِّكُويد: مَنْ، مُفَضَّلُ بْنُ عَمْرٍو، ابوبصير و ابان بن تَغَلَبٍ خدمت مواليمان امام صادق ﷺ

رسیدیم در حالیکه ایشان بر خاک نشسته و جُبّه (نوعی

لباس) خیبری پوشیده بودند و ایشان مانند مادر

فرزند مرده‌ی شیدای جگر سوخته می‌گریستند در حالیکه زمزمه میکردند:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علی مهدی و ابتزت منی

راحة فؤادی سیدی غیبتک أوصلت مصابی بفجائع

البد ... فما أحس بدمعة ترقی من عینی و أنین یفتّر من

صدری عن دوارج الرزایا و سوائف البالیة إال مثل بعینی

عن غوابر أعظمها و أفضعها و بواقی أشدها و أنکرها و نوائب

مخلوطة بغضبک و نوازل معجونة بسخطک

«ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر  
من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب  
نموده است.»

ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده ...  
من دیگر احساس نمیکنم اشکی را که از  
دیدگانم بر گریبانم روان است و نالهای را که از مصائب و  
بالیای گذشته از سینهام سر میکشد، جز آنچه را  
که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه گرفتاریها بزرگتر و  
جانگذازتر و سخت تر و ناآشنا تر است،  
نامالیماتی که با غضب تو در آمیخته و مصائبی که با خشم تو  
عجین شده است.»

سدر گوید: حضرت به ما فرمودند: خداوند در قائم ما سه  
خصلت جاری ساخته که آن خصلت در سه تن از  
پیامبران نیز جاری بوده است؛ نوع و طرز تولدش را مانند تولد  
موسی (تولد پنهانی) و غیبتش را مانند غیبت  
عیسی و تأخیر در ظهورش را مانند تأخیر افتادن طوفان نوح  
مقدر کرده است و بعد از آن عمر عبد  
صالح (خضر) را دلیلی بر عمر او قرار داده است.

اما تولد موسی(ع)، چون فرعون واقف شد که زوال پادشاهی او به دست موسی است، دستور داد که کاهنان را حاضر کنند و آنها وی را از نَسَب موسی آگاه کردند و گفتند که وی از بنی اسرائیل است و فرعون به کارگزاران خود دستور می داد که شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند و حدود بیست و چند هزار نوزاد را کشت اما نتوانست به کشتن موسی(ع) دست یابد زیرا او در حفظ و حمایت خدای متعال بود و بنی امیه و بنیعباس نیز چنیناند، وقتی واقف شدند که زوال پادشاهی آنها و پادشاهی امیران و ستمگران آنها به دست قائم ماست، با ما به دشمنی برخاستند و در قتل آل رسولﷺ و نابودی نسل او شمشیر کشیدند، به طمع آنکه بر قتل قائم دسترسی پیدا کنند، اما خدای تعالی امر خود را مکشوفِ یکی از ظلمه نمیسازد و نور خود را کامل میکند، گرچه خوشآیند مشرکان نباشد. و اما غیبت عیسی(ع)، یهود و نصاری اتفاق کردند که او کشته شده است، اما خدای تعالی با این قول خود آنان را تکذیب فرمود، ﴿ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ

☒ و غیبت قائم نیز چنین است، زیرا این امت  
 به واسطه طول مدتش آن را انکار میکند، پس گوینده‌های به  
 هذیان گوید او متولد نشده است، و  
 گوینده‌های دیگر گوید او مرده است، و گوینده‌های دیگر این کالم  
 کفرآمیز را گوید که یازدهمین ما ائمه عقیم  
 است، و گوینده‌های دیگر با این کالم از دین خارج شود که تعداد  
 ائمه به سیزده و یا بیشتر رسیده است، و  
 گوینده‌های دیگر به نافرمانی خدای تعالی پرداخته و گوید روح  
 قائم در جسد دیگری سخن می گوید.  
 اما تأخیر کردن نوح(ع) چنین است که چون خداوند برای قوم  
 خود طلب عقوبت کرد، خدای تعالی روح  
 ال‌مین(ع) را با هفت هفته خرمایه نزد وی فرستاد و به او  
 گفت: ای پیامبر خدا! خدای تعالی به تو میگوید:  
 اینها خالیق و بندگان من هستند و آنها را با صاعقه‌های از  
 صواعق خود نابود نمیکنم مگر پس از تأکید کردن  
 دعوت و الزام ساختن حجت، پس بار دیگر در دعوت قومت  
 تالش کن که من به تو ثواب خواهم داد و این  
 هسته‌ها را در زمین بکار که فَرَج و خالصی تو آنگاه است که

آنها برویند و بزرگ شوند و میوه به بار آورند و این مژده را به مؤمنان پیرو خود بده.

و چون پس از زمانی طوالتی درختها روئید و پوست گرفت و دارای ساقه و شاخه شد و میوه داد و به بار نشست از خدای تعالی درخواست کرد که وعده را عملی سازد، اما خدای تعالی فرمان داد که هسته این درختها را بکارد و دوباره صبر و تالش کند و حجت را بر قومش تأکید کند و او نیز آن را به طوائفی که به او ایمان آورده بودند گزارش کرد و سیصد تن از آنان از دین برگشتند و گفتند: اگر مدعای نوح حق بوده، در وعده پروردگارش خلفی واقع نمیشد.

سپس خدای تعالی هر بار دستور میداد که هستهها را بکارد و نوح نیز هفت مرتبه آنها را کاشت و هر مرتبه طوائفی از مؤمنین از دین برمیگشتند تا آنکه هفتاد و چند نفر بیشتر باقی نماندند. آنگاه خدای تعالی وحی فرمود که ای نوح! هماکنون صبح روشن از پس شب تار دمیده و حق محض و صافی از ناخالص و کدر آن جدا شد، زیرا بدطینتان از دین بیرون رفتند و اگر من کفار را

نابود میکردم و این طوائف از دین بیرون شده  
را باقی میگذاشتم به وعده خود درباره مؤمنانی که در توحید با  
اخالص بودند و به رشته نبوت تو متمسک بودند وفا نکرده  
بودم، زیرا من وعده کرده بودم که آنان را جانشین زمین کنم و  
دینشان را استوار سازم و  
خوفشان را مبدل به امن نمایم تا با رفتن شک از قلوب آنها  
عبادت من خالص شود، و چگونه این جانشینی و  
استواری و تبدیل خوف به امن ممکن بود در حالی که ضعف  
یقین از دین بیرون شدگان و خُبث طینت و  
سوء سریرت آنها) که از نتایج نفاق است) و گمراه شدن آنها را  
میدانستم، و اگر رائج سلطنت مؤمنان را آن  
هنگام که ایشان را جانشین زمین ساخته و بر تخت سلطنت  
نشانده و دشمنانشان را نابود میسازم استشمام  
می کردند، باطن نفاقشان را مستحکم کرده و دشمنی با  
برادرانشان را آشکار میکردند و در طلب ریاست و  
فرماندهی با آنها میجنگیدند و با وجود فتنهانگیزی و جنگ و  
نزاع بین ایشان چگونه تمکین و استواری در  
دین و اعتالء امر مؤمنین ممکن خواهد بود، خیر چنین نیست  
وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا ۱۶

قائم(عج) نیز چنین است زیرا ایام غیبت او طوالتی میشود تا  
حق محض و ایمان صاف از کدر آن مشخص  
شود و هر کسی که از شیعیان طینت ناپاکی دارد از دین بیرون  
رود، کسانی که ممکن است چون استخالف  
و تمکین و امنیت منتشره در عهد قائم(عج) را احساس کنند و  
نفاق ورزند.

## داستان کودک موعود:

در هر داستانی که از انبیاء ذکر می شود باید منتهی به صاحب  
الزمان شود و دوران ظهور حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه  
و آله ذکر می کردند که دوازده جانشین دارند و آخرینشان زمین  
را که در ظلم و جور پر شده پر از عدل می کند، طاغوت از زمان  
امام محمد التقی(جواد) (ع) مشکوک می شود امام علی  
النقی(ع)(هادی) را به حصر می برند و در زمان امام حسن  
عسکری منظر فرزند موعود می شوند، حضرت صاحب فرزند  
می شوند و آن را عقیقه می کند و کودک می میرد و دستگاه

حکومتی فکر می کنند که کودک موعود مرده وقتی خیالشان راحت شد حضرت به دنیا آمد.

## تمام اتفاقات به خاطر حضرت حجت (عج) است:

سنت ها و ابتلائات انبیاء مقدمه برای معرفی حضرت حجت اند شما ببینید عظمت ایشان را، شما می بینید که طاغوت چند میلیون نفر را برای رخ ندادن ظهور کشته اند، چند کشور را ویرانه کرده اند، چند نخبه را ترور کرده اند، چند دولت را سرنگون کرده اند چون آنها بسترسازی بوده برای ظهور حضرت حجت (عج)، دشمنان حضرت رفته اند تک تک مناطقی را که حضرت در دوران ظهور و غیبت طی می کند را روی نقشه پیاده کرده اند و روی زمین عملی کرده اند، پایگاه نظامی زده اند تا غیبت را به تاخیر بیاندازند بروید سوریه را نگاه کنید از طرفی قومی هست به دنبال رخ دادن ظهور اند و آن هم قوم سلمان فارسی است، [۳۱۳](#) نفر یار نیستند بلکه [۳۱۳](#) جریان اند طبق روایت بلکه هر یک از این [۳۱۳](#) تا نخبه اند که افرادی پشت آنان حرکت می کنند، چه فهمید شهید محمد رضا

بیضایی که گفت ما را آفریدند تا مقدمه ساز ظهور حضرت باشیم.

## اهمیت سلام فرمانده:

می دانید سلام فرمانده لرزه به تن دشمن انداخت، چون تلاش کردند نسلی پرورش بدهند که به فکر ظهور نباشد، انیمیشن ساختند، الگو سازی کردن، شخصیت خلق کردند و سوپرمن ها معرفی کردند اما ته آن دهه نودی ها سلام فرمانده خواندن!

## جمهوری اسلامی و طرح دشمنان:

جمهوری اسلامی خیلی قوی شده است، دشمن برنامه ریزی می کند چهل و هفت کشور می آیند برنامه سقوط برای ایران ترسیم می کنند اما ته آن می رسند که سطل آشغال آتش بزنند، رژیم صهیونیستی طرح مرگ با هزاران چاقو تعریف می کند، جنگ با سر هشت پا رو می کند اما در آخر هیچ غلطی نمی تواند بکند.

## وابستگی اقتصادی وابستگی سیاسی می آورد:

ما ۱۵ همسایه داریم، در دولت قبل تنها دو درصد از جمعیت ۶۰۰ میلیونی منطقه را داشتیم، وقتی کشوری وابستگی اقتصادی داشته باشد وابستگی سیاسی را هم دارا می شود، از اهداف این اغتشاشات از بین بردن امنیت برای تجار خارجی بود که به گفته خودشان به چهل درصد از اهداف خود رسیدن و داستان های که برای اقتصاد رخ داد.

(إن شاء الله که مقدمه ساز ظهور حضرت باشیم صلواتی بفرستید)

حمید رضا خاندوزی